

بررسی جامعه‌شناختی میزان همگرایی قومیت‌های (فارس، ترک، لر) استان همدان

اسداله نقدی¹

امید علی احمدی²

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد آشتیان

محمود سلطانی عزت³

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی واحد علوم و تحقیقات

(تاریخ دریافت: دی 91، تاریخ پذیرش: خرداد 92)

چکیده:

ایران کشوری چند قومیتی است و موضوع همگرایی یا واگرایی قومی در ارتباط با انسجام اجتماعی و وفاق اجتماعی عام بسیار مهم است. نوشتار حاضر، سعی کرده است از منظر جامعه‌شناختی میزان همگرایی را بین قومیت‌های فارس، ترک و لر در استان همدان بنگرد و نیز عوامل مؤثر بر آن را شناسایی و تحلیل نماید. جهت تبیین نظری این موضوع از نظریه‌نوسازی (توسعه فرهنگ و ارتباطات)، ایده جامعه مدنی درباره شهروندی و دیدگاه احساس محرومیت نسبی استفاده به عمل آمده است. روش تحقیق حاضر پیمایشی و نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و متناسب با حجم جامعه آماری تعداد 384 نفر از شهروندان استان بر اساس سه فرضیه اصلی؛ وضعیت فرهنگی و ارتباطی افراد، میزان پذیرش اصول شهروندی توسط آنان و میزان احساس محرومیت نسبی مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است. البته جهت سنجش سطوح تعاملات بین افراد از طیف فاصله اجتماعی بوگاردوس استفاده شده است. از جمله مهم‌ترین نتایج این تحقیق، شناخت مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر همگرایی قومی شامل: میزان سرمایه اجتماعی، میزان پذیرش اصول شهروندی، میزان رضایت‌مندی از زندگی، میزان مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی، سن، وضعیت فرهنگی و ارتباطی افراد، میزان احساس محرومیت نسبی و میزان دسترسی به رسانه‌های ارتباطی و عدم ارتباط بین وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و خاستگاه اجتماعی افراد با میزان همگرایی قومی آنان بوده و نتایج تحلیل مسیر نیز بیانگر تبیین مقدار 0/8 از میزان همگرایی قومی توسط متغیرهای تأثیرگذار فوق بوده است.

واژگان کلیدی: همگرایی قومی، قومیت، استان همدان

1. آدرس الکترونیکی: naghdi@basu.ac.ir

2. آدرس الکترونیکی: omidaliahmadi@yahoo.com

3. آدرس الکترونیکی: mahmoud.soltani@ymail.com

مقدمه

قومیت یکی از هویت‌های اجتماعی مدرن است که زیر مجموعه هویت ملی است. از جمله مسائل اساسی در جوامع چند قومی همواره این بوده است که اجتماعات قومی چگونه باید با یکدیگر پیوند بخورند تا یک اجتماع ملی فراگیر و پایدار شکل بگیرد. انسجام و همگرایی اجتماعی در چنین جوامعی متأثر از کم و کیف روابط بین اقوام است که در این حالت یکپارچگی اجتماعی در سایه پیوند و همگرایی اقوام شکل می‌گیرد. قومیت‌ها و فرهنگ‌های موجود در یک جامعه با رویکردهای مختلفی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد؛ برای یک جامعه‌شناس موضوعات نظم اجتماعی، انسجام اجتماعی، استاندارد کردن رفتارها و همین‌طور توسعه فرهنگی مورد توجه است.

وجود قومیت‌های مختلف در استان همدان و ارتباط صحیح آنها با هم ضمن ممانعت از چالش‌های اجتماعی، موجب نظم و همگرایی اجتماعی و نیز توسعه فرهنگی است. در خصوص اقوام ایرانی تحقیقات نسبتاً زیادی در داخل و خارج از کشور با رویکردهای سیاسی، قوم‌شناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی تاریخی انجام شده است، اما این مطالعات از منظر همگرایی قومی چندان قابل توجه نیست. در تحقیق حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی سعی در سنجش میزان همگرایی بین اقوام ساکن در استان همدان و نیز شناسایی عوامل مؤثر بر آن، شده است.

بیان مسئله

در پهنه جغرافیای ایران اقوام چندی زندگی می‌کنند که برای قرن‌های متمادی، همزیستی نسبتاً مسالمت‌آمیزی داشته‌اند. اما مطالعه آن هم در جهان و بخصوص ایران، قدمت زیادی ندارد: واژه قومیت¹ در اوایل دهه 1970 میلادی توسط «واکر کونور» پدید آمد (احمدی، 1382: 32). بنابراین قومیت در علوم اجتماعی واژه نسبتاً جدیدی است و مفهوم آن نیز همواره با گسترش حیطه مطالعات تغییر یافته است. به نظر آنتونی گیدنز قومیت، مفهومی است که معنای مطلقاً اجتماعی دارد و به رفتارها و چشم اندازهای فرهنگی اشاره دارد که سبب تمایز یک اجتماع از دیگران می‌شود. اعضای گروه قومی، خودشان را به

1. Ethnicity

لحاظ فرهنگی متمایز از دیگر گروه‌ها در جامعه می‌بینند و خود آنها نیز توسط دیگران متمایز در نظر گرفته می‌شوند. مهم‌ترین خصوصیات قومی که آنها را از دیگران جدا می‌کند زبان، تاریخ، تبار، مذهب، سبک لباس پوشیدن و نوع زینت کردن است. همه این تفاوت‌ها، فرهنگی و آموختنی‌اند (احمدی، 1378: 29). اگرچه قومیت و هویت قومی، ابتدا در مطالعات انسان‌شناسی بکار رفته اما بعدها در گستره مطالعات جامعه‌شناسی نیز قرار گرفت و مطالعات عمیقی در آن صورت گرفت (پور افکاری، 1381: 28). در معنای جدید قومیت باید گفت که در دهه 60 قرن 20، قوم و قوم‌گرایی در مقابل مفهوم ملیت قرار می‌گرفتند که تبلوری از دولت ملی بود. به هر رو، قومیت از سال‌های میانی قرن 20، به یکی از مفاهیم اصلی در علوم اجتماعی تبدیل شد و تا به امروز به صورت موضوعی اساسی در مطالعات و پژوهش‌های کاربردی باقی مانده است (برتون، 1380: 234).

استان همدان از جمله استان‌های کشور است که دارای تنوع قومی چشمگیری است. با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی و محل تلاقی با استان‌های همجوار، گویش‌ها و قومیت‌های مختلفی شامل: قوم فارس، ترک، کرد، لر، لک و برخی از فرق دینی را در خود جای داده است. این مسئله باعث شده که همدان یکی از مناطقی باشد که هم می‌تواند مرکز تعامل اقوام باشد و هم این اختلافات قومی و زبانی موجبات تنش و تعارضات اجتماعی و سیاسی را فراهم کند.

اهداف تحقیق

هدف کلی در این پژوهش عبارت است از:

در میان اقوام و قومیت‌های مختلف ساکن در استان همدان چه میزان همگرایی وجود دارد، توزیع آن در میان اقوام مختلف چگونه است با شناسایی عوامل مؤثر بر این همگرایی؟

و اهداف جزئی به شرح زیر است:

- 1- تعیین وضعیت پراکنش قومی و تعریف ویژگی مناطق قومی در استان همدان.
- 2- سنجش میزان همگرایی قومیت‌های مختلف در قالب یک واحد اجتماعی متجانس تر.
- 3- بررسی راهکار حفظ تفاوت‌های قومی در چارچوب شهروندی مشترک.
- 4- سنجش کم و کیف مناسبات بین قومی در استان.

ضرورت بررسی

در جوامع چند فرهنگی، مطالعه وفاق، انسجام اجتماعی و همگرایی یا واگرایی بخصوص روند آن در طول زمان ضروری است، زیرا شناخت همگرایی بین قومیت‌های مختلف برای سیاست‌گذاری، انسجام اجتماعی و مدیریت تکثر قومی لازم است. بنابراین به نظر می‌رسد که بررسی میزان همگرایی بین اقوام در استان‌های چند فرهنگی مانند همدان، جهت سنجش میزان وفاق اجتماعی است که یکی از موضوعات اساسی جامعه‌شناسی در ایران معاصر است.

جدول (1) سیمای ترکیب قومی استان همدان

ردیف	شهرستان	فارس	تورک	لر	کرد	لک
1	همدان	80	12	2/5	3	2/5
2	ملایر	34/99	12/01	50	1	2
3	تویسرکان	13/19	6/99	26/30	15	37/99
4	اسدآباد	63	14	2	19	2
5	نهادند	1/90	0/3	87/10	1/02	9/68
6	بهار	4/5	86/3	-	7/9	1/3
7	کیبودرآهنگ	0/1	87/20	-	12	-
8	رزن	1/01	98/67	-	7/9	-

(محمدی، 1383: ضمیمه)

چارچوب نظری

پراکندگی دیدگاه‌ها در مورد تعاریف و ملاک‌های تعیین‌کننده قومیت، خود بخشی از اختلاف نظر پیرامون مسئله است و بخش مهم‌تری از آن به منشأ پیدایش قومیت مربوط می‌شود. در واقع اختلاف دیدگاه اصلی درباره قومیت در همین رابطه وجود دارد و نه در تعریف آن. اختلاف اصلی نیز بر سر این است که آیا گروه قومی یا قومیت به عنوان پدیده‌های سیاسی ریشه کهن دارند و یا در زمره پدیده‌های تازه یافته قرار دارند (احمدی، 1382: 91). مطالعه قومیت علی‌رغم سابقه نسبتاً کم، دارای ادبیات غنی در علوم اجتماعی است و دیدگاه‌های مختلفی از زوایای متفاوت به این پدیده پرداخته‌اند.

1- کهن‌گرایی / ازلی‌انگاری:

اصطلاح کهن‌گرایی در ابتدا توسط ادوارد شیلز ساخته شد و کلیفورد گیرتز در دهه 1950 آن را بسط داد. بعدها پژوهشگرانی مثل ون دن برگ، مسترز و واکر کونور، در بوجود آمدن چشم‌اندازهای جدید در مکتب کهن‌گرا سهیم بودند. کهن‌گرایان و یا ازلی‌انگارها بر این عقیده‌اند که قومیت و روابط قومی جزو روابط اولیه و مسلم بشری هستند و ملت‌ها جنبه تاریخی و کهن دارند. دولت‌ها، احزاب، دیوان‌سالاری و سیاست، همه بیش و کم تجلی عمومی این ویژگی‌ها و شکاف از قبل موجود قومی و هویت‌های فرهنگی هستند.

این رویکرد دارای سه دیدگاه است: زیست‌شناسی اجتماعی، فرهنگی و طبیعی. زیست‌شناسی اجتماعی: زیست‌شناسان اجتماعی بر این باورند که ملت و گروه‌های قومی می‌توانند از انگیزه یا تولید مثل ژنتیکی افراد برای به حداکثر رساندن سرمایه‌های ژنی مشترک ناشی باشند. پیر ون دن برگ مدافع اصلی این رویکرد است.

رویکرد فرهنگی: این رویکرد که می‌توان آن را «ازلی‌انگاری هویت فرهنگی» خواند، عموماً تداعی‌کننده آثار ادوارد شیلز و کلیفورد گیرتز است (اوز کریملی). الر و کافلن مدعی‌اند که مفهوم ازلی‌انگاری هویت قومی به کار رفته در آثار این نویسندگان، محتوی سه ایده اصلی است:

الف) هویت‌ها یا تعلقات ازلی، «داده شده»، متقدم، غیرمشتق، مقدم بر همه تجارب و تعاملات هستند و در واقع، همه تعاملات در درون واقعیت‌های ازلی صورت می‌گیرند. تعلقات ازلی بیش از آنکه جامعه‌شناسانه باشند، «طبیعی» یا حتی «معنوی» هستند... هیچ منبع اجتماعی ندارند. به همین سان، این چیزها ازلی خوانده می‌شوند، با این فرض که پیشینه طولانی دارند.

ب) احساسات ازلی، «توصیف‌ناپذیر»، پر قدرت، و اجبار آمیزند... اگر فردی عضو گروه باشد، ضرورتاً تعلقات خاص آن گروه و رویه‌های آن (به‌ویژه زبان و فرهنگ) را احساس خواهد کرد.

ج) ازلی‌انگاری هویت قومی اساساً مسئله احساس و عاطفه است. رویکرد طبیعی: دیرینه‌گرایان نوعی نگاه ارگانیکی به پدیده ملت دارند و معتقدند که ملت، پدیده‌ای طبیعی است نه مخلوق قراردادهای زدوبندهای سیاسی. شلایر ماخر و هرردر از جمله افرادی بودند که از نظریه طبیعی بودن ملت حمایت می‌کردند.

2- ابزار گرایان / نوگرایی:

طرفداران مکتب نوگرایی که به ابزار گرایی نیز مشهورند دیدگاه‌های کهن گرایان را مورد انتقاد قرار می‌دهند و بر این باورند که وابستگی‌های قومی در طول زمان دچار دگرگونی می‌شود و به همین دلیل نمی‌توان آن را کهن و دائمی دانست. به عبارت دیگر نوگرایان، ملیت، قومیت، ملت و نظایر آن را پدیده‌ی بر ساخته و مدرن می‌دانند. بندیکت اندرسون با انتشار کتاب تأثیرگذار جوامع خیالی (1983) و اریک جی. هابزباوم با توجه به مسئله «اختراع سنت»، از جمله صاحب‌نظران این دیدگاه به حساب می‌آیند.

از نظر اندرسون استاد دانشگاه کورنل، قومیت و ناسیونالیسم به عنوان ایدئولوژی‌های عصر مدرن، همراه با مرگ مذاهب جهانی و سنت پادشاهی ظهور کرده است. در واقع، به نظر اندرسون ناسیونالیسم محصول «سرمایه‌داری چاپ» است و ملت‌ها جوامع تخیلی‌اند که در شرایط مدرن ویژه‌ی سرمایه‌داری غیرمذهبی، در خدمت نیازهای روانی و اقتصادی هستند. افرادی که یکدیگر را نمی‌شناسند قادرند از طریق جهان چاپ و مطبوعات، در یک زمان و مکان همگن و قابل درک که به یک جامعه و نسل تخیلی متعلق است به سر برند (احمدی، 1382: 149).

بندیکت اندرسون¹: با انتشار کتاب تأثیرگذار جوامع خیالی (1983) نقش مؤثری در ادبیات ناسیونالیسم داشت. از نظر وی جوامع از این حیث خیالی‌اند که حتی افراد کوچک کوچک‌ترین ملت‌ها نیز هم قطاران خود را نمی‌شناسند. اما همه آنها تصویری از ملت در ذهن دارند.

به عقیده اندرسون ناسیونالیسم، خود یک محصول فرهنگی است که به وسیله شیوه‌های همانندسازی با هم‌میهن‌ها ایجاد گردیده است. به نظر وی نابودی دولت‌های مذهبی (امپراطوری - خلافت) و به دنبال آن آغاز شیوه‌های نوین ارتباطات ناشی از فن آوری نوین «سرمایه‌داری چاپی»، باعث می‌شود تا وجود اجتماعات مستقل خیالی، هم ممکن و هم ضروری گردد (احمدی، 1388: 94).

1. Benedict anderson

3- نمادپردازی قومی:

نمادپردازی قومی که البته شاید بتوان گفت به عنوان پاسخی به دو نظریه قبلی است که برخلاف دو دیدگاه قبل، اعتقادی به ازلی بودن هویت و هم‌چنین به ابداعی و ابزاری بودن آن ندارد. آنها با ارائه رویکردی میانی هم به اساطیر، خاطرات و ریشه‌های گذشته و هم به دگرگونی‌های ایجاد شده توسط مدرنیته توجه دارند. ذیلاً به طور مختصر اشاره‌ای می‌گردد. جان دی آرمسترانگ، آنتونی دی اسمیت از جمله صاحب‌نظران این دیدگاه به حساب می‌آیند.

نظریه‌های مربوط به سیاسی شدن قومیت:

1- نظریه رقابت بر سر منابع:

این رویکرد معتقد است که یکپارچه کردن سیاسی گروه‌های قومی در درون یک دولت-ملت، زمینه مشخصی را بوجود می‌آورد که در آن رقابت برای منابع - به ویژه برای مشاغل دولتی - به انگیزه تضاد بین قومی تبدیل می‌شود. گلنزر و موینیان و سوزان اولزاک.

2- نظریه استعمار داخلی:

رهیافت استعمار داخلی که ابتدا هشتر آن را تدوین کرد، بر این نکته تأکید دارد که همبستگی قومی ممکن است در داخل یک جامعه ملی در حال ظهور در نتیجه تشدید نابرابری‌های ناحیه‌ای میان یک مرکز فرهنگی متمایز و جمعیت پیرامون آن تقویت شود. نگرانی عمده نخبگان مرکز حفظ و تداوم وابستگی ابزاری جمعیت پیرامون است.

3- دیدگاه کثرت‌گرایی:

دیدگاه کثرت‌گرایی، دیدگاهی است که در آن سازماندهی پیکر سیاسی یک کشور هنگامی مطلوب تلقی می‌شود که در آن هر خانواده فکری - عقیدتی، هم‌امکان و وسایل حراست از ارزش‌های خاص خود را دارا باشد و هم به احقاق حقوق خود نائل آید و زمینه لازم جهت مشارکت فعالانه اعضای آن در صحنه‌های سیاسی نیز فراهم شود. جوزف فورنیوال و ام. جی اسمیت.

4- تئوری انتخاب عقلانی:

مایکل هشر بعدها برای برطرف کردن محدودیت‌ها و تنگناهای نظریه استعمار داخلی، نظریه انتخاب عقلانی را مطرح کرد (نواح و تقوی نسب، 1385: 11). به اعتقاد هشر، اعضای هر گروه قومی فقط زمانی در اقدام جمعی شرکت می‌کنند که به این نتیجه برسند که از این طریق نفع شخصی عایدشان می‌شود.

5- نظریه رقابت نخبگان:

به طور قطع از آشکارترین بازیگران عرصه مناقشه‌های قومی، نخبگان قومی هستند که با اهداف خاص خود رهبری و هدایت جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به گروه‌های قومی را در اختیار دارند. هانس کوهن و به شکل منظم‌تری آنتونی اسمیت.

6- نقش بیگانگان:

بیشتر محققان قومیت و ناسیونالیسم قومی، به این عنصر مهم توجه نکرده‌اند یا آن را کم اهمیت پنداشته‌اند. آنها تمایل دارند بیشتر به دنبال عوامل داخلی بسیج قومی و ظهور ناسیونالیسم قومی باشند، در حالیکه عوامل خارجی اغلب رد می‌شوند یا اصلاً برای آنها توضیحی داده نمی‌شود.

7- تئوری نوسازی:

یکی از بحث‌انگیزترین تئوری‌ها در حوزه علوم اجتماعی، «تئوری نوسازی» است که آن هم تحت نفوذ آراء کارل دویچ است. نوسازی به معنای ترکیبی از جریاناتی شامل صنعتی شدن، شهری شدن، افزایش ارتباطات و شبکه‌های حمل و نقل و همانند آن، توسط اکثر دانشمندان اجتماعی مورد بحث واقع شده است.

نظریه‌های تأثیر نوسازی بر کاهش هویت قومی: این رویکرد، نویدبخش کاهش منازعات قومی است. اندیشمندانی چون فردیناند تونیس، کارل دویچ، گلیفورد گرتز و مک کورمک، با مثبت خواندن نقش عناصر مدرنیته، بر فرایند رو به کاهش ستیزه‌های قومی تأکید ورزیده‌اند.

نظریه‌های تأثیر نوسازی بر افزایش هویت قومی: این رویکرد از روند رو به تزاید بحران قومی و هویت‌خواهی‌های فرهنگی خبر می‌دهد، توسعه و افزایش سطح مراودات و مبادلات را زمینه‌ساز بسط و گسترش آگاهی‌های قومی و فرهنگی و در نهایت خیزش قومی ارزیابی می‌کنند. پژوهشگرانی چون واکر کونور، حمید مولانا، رابرت پارک و هربرت بلومر با تأکید بر این نقش و تأثیر تلاش یک‌سویه دولت‌ها برای یکسان‌سازی فرهنگی، نفوذ، هژمونی و شبیه‌سازی فرهنگی و تحمیل روابط نابرابر فرهنگی، را بیش از ایجاد همگونی و همگرایی، موجب بروز بحران‌های قومی برمی‌شمارند.

نظریات پست مدرن و قومیت: رویکرد پست مدرن، بر مبادی یا بر نتایج متفاوت در عرصه‌های روابط قومی، از منظر فرهنگ و ارتباطات پای می‌فشارد. مبادی متفاوت بدین صورت که نه ضرورتاً توسعه و گسترش روابط فرهنگی و ارتباطات در جوامع، بلکه شقاق، شکاف‌ها و خلأهای فرهنگی و ارتباطی نظیر خلأ عقیدتی پس از کمونیسم یا بحران تمدن‌ها در سطح جهانی در ارتباطات با بحران‌های قومی، مورد توجه قرار گرفته است. نتایج متفاوت بدین صورت که ضرورتاً بر بروز بحران‌های قومی به عنوان نتیجه بست فرهنگی و ارتباطات، تأکید نمی‌شود بلکه خلق مفاهیم و جوامع جدید مانند جوامع قومی، مجازی و اجتماع تصویری، از زاویه گسترش فرهنگ و ارتباطات مورد توجه قرار می‌گیرد.

8- نظریه محرومیت نسبی:

به نظر گر، محرومیت نسبی به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلاف میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود.

دیدگاه‌های مربوط به مناسبات و ارتباطات بین قومی:

قوم و قومیت را می‌توان از لحاظ مناسبات اقوام با یکدیگر (صلح آمیز یا ستیز گونه) نیز مورد بررسی قرار داد:

اول، رویکرد روان‌شناسی اجتماعی و دوم، رویکرد نهاد. در رویکرد اول (روان‌شناسی اجتماعی)، تمرکز روی سطوح کنش متقابل درون شخصی و محلی است که می‌کوشد میزان همدلی و ستیز (همگرایی و واگرایی) بین اعضای گروه، فرد یا قوم را دریابد و همین‌طور نحوه ایجاد اعتماد درون شخصی، سهولت تمایل به احترام متقابل و نیز مصالحه

برای سوق یافتن به سوی همزیستی مسالمت آمیز را مورد مطالعه قرار می دهند. در رویکرد دوم (نهادی)، قواعد، سیاست‌ها و ساخت‌های سیاسی برای شکل‌دهی به رفتار فردی و گروهی و ایجاد شرایط برای نظم بخشی روابط تنش آمیز میان اجتماعات قومی مورد بررسی قرار می گیرد.

دیدگاه‌های تلفیقی قومیت:

برخی از صاحب نظران عقیده دارند که برای تجزیه و تحلیل مسائل قومی - به ویژه در مورد ماهیت قومیت - باید هر دو دیدگاه یعنی کهن‌گرایی و ابزارگرایی را در هم ادغام کرد. این گرایش به ویژه در آثار جیمز مک کی، ادوارد و آنتونی اسمیت به خوبی دیده می شود.

دیدگاه‌های مربوط به فرجام قومیت‌ها:

در مورد فرجام مسئله قومیت‌ها در چارچوب نظام سیاسی دولت - ملت، رهیافت‌های متفاوتی به چشم می خورد، رهیافت‌های ابزارگرایی، مارکسیستی، دیرینه‌گرا و رهیافت مبتنی بر اصل شهروندی.

آرجون آپادورای (Arjun Appadurai) در کتاب شرح مفصل مدرنیته: ابعاد فرهنگی جهانی شدن، بر جریان‌های جهانی و انفصال آنها تاکید دارد. این جریان‌ها تولید واقعیت‌های فرهنگی واحدی را در اقصی نقاط جهان نشان می دهند. آنها تمایل دارند فرهنگ ادغامی تولید کنند. آپادورای درباره پنج جریان جهانی بحث می کند:

- 1- دیدگاه قومی
- 2- دیدگاه رسانه‌ای
- 3- دیدگاه تکنولوژیکی
- 4- دیدگاه اقتصادی
- 5- دیدگاه اعتقادی

استفاده از پسوند *scape* به آپادورای اجازه می دهد این فکر را القا کند که این فرایندها سیال، بی‌قاعده و متغیرالشکل بوده و بنابراین این جریان‌ها با نظریه چندگونگی و ناهمگونی سازگارند.

این واقعیت که چندین دیدگاه وجود دارد و این دیدگاه‌ها با درجات متفاوتی مستقل از یکدیگر بوده و حتی شاید با یکدیگر متضاد باشند، این رویکرد را همساز با رویکردهایی می کند که بر تنوع و چندگونگی فرهنگی تاکید می کنند. دیدگاه قومی شامل جابه‌جایی

گروه‌ها و افراد (جهانگردان، پناهنگان) است که نقش مهمی را در جهان دائم‌التغییر، که ما به طور فزاینده زندگی می‌کنیم، ایفا می‌کند. این به همان اندازه جابه‌جایی واقعی، جابه‌جایی مجازی (خیالی) را نیز شامل می‌شود. در یک جهان دائم‌التغییر، افراد نمی‌توانند به تخیلات خود اجازه بدهند که به مدت طولانی استراحت کنند و بنابراین باید این تخیلات را زنده نگه دارند.

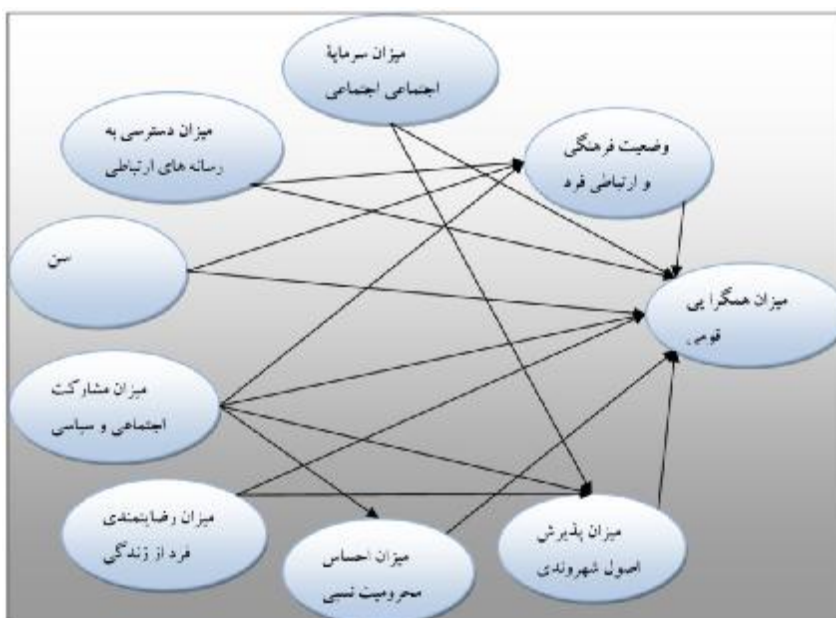
چارچوب نظری تحقیق

نظریه‌نوسازی (توسعه فرهنگ و ارتباطات)، ایده جامعه‌مدنی درباره شهروندی و دیدگاه احساس محرومیت نسبی و دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی دیدگاه‌هایی است که بوسیله آنها سعی در تبیین نظری مسئله همگرایی قومی در استان شده است.

جدول متن خوانی چارچوب نظری تحقیق و ارتباط آن با موضوع همگرایی قومی در استان همدان و استنتاج متغیرها و فرضیات اصلی

صاحب نظر	ایده اصلی	تعمیم ایده به موضوع همگرایی قومی در استان همدان	متغیر اصلی	فرضیه
کارل دوویچ	هر چه ارتباطات، رسانه‌های ارتباطی و نیازها و همکاری‌های متقابل گسترش پیدا کند باعث نزدیکی و یکپارچگی عناصر پراکنده و اتمی شده و موجبات همگرایی اعضای توده به لحاظ اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌کند.	در استان همدان زمینه‌های ارتباطی و فرهنگی مانند رسانه‌های جمعی، سوادآموزی، تعاون، معاشرت و ... رو به گسترش است.	وضعیت فرهنگی و ارتباطی فرد	به نظر می‌رسد بین وضعیت فرهنگی و ارتباطی فرد و میزان همگرایی قومی رابطه معناداری وجود دارد.
ایده جامعه مدنی و دیدگاه آپادورای	هر چه گرایشات افراد به ایفای نقش‌های مثبت در جامعه (از جمله پذیرش اصول شهروندی) بیشتر گردد، لذا این افراد تمایل بیشتری به همگرایی قومی خواهند داشت.	در سالهای اخیر در استان همدان شاهد تغییر رفتارها از هنجارهای قوم گرایانه و سنتی به سمت رعایت رفتارهای مثبت و شهروند مآبانه هستیم.	میزان پذیرش اصول شهروندی	به نظر می‌رسد بین میزان پذیرش اصول شهروندی و میزان همگرایی قومی ارتباط معناداری برقرار است.
تد رابرت گور	هر قدر احساس محرومیت افراد (احساس افراد بر وجود داشتن اختلاف میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط) بیشتر باشد و آن قوم احساس کند که فرهنگ، زبان و ارزش‌هایش مورد تعرض و استحاله قرار گرفته است، گرایش به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم قومی در آن قوم تشدید می‌گردد.	با وجود توسعه نامتعادل در استان همدان و رشد مناطق خاص فرهنگی و قومی و نیز تشدید اختلافات در برخورداری برخی قومیت‌ها در مدیریت کلان استان و وجود مناطق محروم، افراد برخی قومیت‌ها دچار نوعی احساس محرومیت نسبی شده‌اند.	میزان احساس محرومیت نسبی	به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت نسبی افراد در جامعه و میزان همگرایی قومی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

مدل تحلیلی تحقیق ارتباط متغیرهای اصلی تحقیق



فرضیات تحقیق

- 1- به نظر می‌رسد بین وضعیت فرهنگی و ارتباطی فرد و میزان همگرایی قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- 2- به نظر می‌رسد بین میزان گرایش به رعایت اصول شهروندی و میزان همگرایی قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- 3- بین میزان احساس محرومیت نسبی افراد و میزان همگرایی آنان با اقوام دیگر رابطه معناداری وجود دارد.
- 4- بین متغیرهای زمینه‌ای و میزان همگرایی قومی رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش‌های اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. از روش اسنادی برای بررسی مفاهیم کلیدی و نظریات مربوط به موضوع تحقیق و تعیین وضعیت پراکنش قومی استان همدان و از روش پیمایشی برای بررسی میزان همگرایی استفاده شده است. واحد تحلیل در این مطالعه، فرد است. تکنیک جمع آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است که پس از پیش آزمون و مطالعه مقدماتی و بررسی اعتبار و روایی آن در جامعه آماری حوزه تحقیق به کار گرفته شده است. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه 0/71 بوده است.

جامعه آماری: جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان مقیم در استان همدان و نمونه مورد مطالعه، شهروندان 24 - 20 ساله شهرهای همدان، بهار و نهاوند بوده است که تعداد 595762 نفر را شامل می‌شود.

شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه: نمونه مورد نظر از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و متناسب با حجم جامعه آماری تعیین شده است. هر یک از شهرهای همدان، بهار و نهاوند به مناطق بالا، میانه و پایین شهر تقسیم شده و در هر منطقه، از میان بلوک‌های ساختمانی، تعداد چند بلوک به عنوان نمونه انتخاب و در رابطه با هر یک از این بلوک‌ها از قسمت جنوب غربی و در جهت عقربه ساعت به درب منازل رجوع کرده و اقدام به تعیین نمونه (فرد مورد نظر) شده است. نیز متناسب با اهداف تحقیق نیمی از پاسخگویان را مردان و نیمی دیگر را زنان تشکیل می‌دهند. تعیین حجم نمونه برای شهر همدان، بهار و نهاوند نیز به تناسب جمعیت‌شان نسبت به جمعیت کل استان (البته جمعیت شهر نشین) انجام شده است. در پژوهش حاضر بر اساس فرمول معروف برآورد نمونه کوکران تعداد و حجم نمونه افراد مورد مطالعه 384 نفر بوده است. تمامی متغیرهای مستقل و وابسته عملیاتی شدند.

یافته‌های تحقیق

توزیع نمونه این تحقیق با توزیع نتایج سرشماری و تحقیقات پیشین در خصوص نسبت اقوام ساکن در استان همدان همخوانی دارد که به ترتیب فارس‌ها، ترک‌ها و لر‌ها و کردها است.

جدول (2) - توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر حسب قومیت

قومیت	فراوانی	درصد
فارس	169	44%
ترک	152	39/6%
لر	63	16/4%
جمع کل	384	100%

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، بیشترین فراوانی را قومیت فارس دارا هستند (169 نفر)، یعنی 44% از کل جمعیت نمونه، و به ترتیب ترک‌ها و لرها مقادیر بعدی را به خود اختصاص داده‌اند، 152 نفر به عبارت دیگر ترک‌ها (39/6%) و 63 نفر لرها (16/4%) بوده‌اند.

میزان همگرایی قومی

جدول (3) - آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر همگرایی

نام متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	واریانس	حداقل	حداکثر
میزان همگرایی قومی	52/62	52	51	8/935	79/839	27	92

طبق یافته‌های بدست آمده، حداقل مقدار میزان همگرایی 27 و حداکثر آن 92 است، میانگین داده‌ها 52/62، میانه عدد 52 و بیانگر این است که نیمی از پاسخگویان کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از آن نمره کسب کرده‌اند. نمره 51 بیشترین تعداد را در بین نمرات پاسخگویان داشته است و طبق واریانس نمرات بدست آمده به اندازه 79/839 اطراف میانگین پراکندگی دارند.

جدول (4) - تحلیل واریانس قومیت و همگرایی

قومیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	Sig.
فارس	169	51/88	7/76	2/929	0/05
ترک	152	52/45	10/16		
لر	63	55/03	9/48		

از جدول فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که به لحاظ میزان همگرایی از بیشترین به کمترین، رابطه زیر بین سه قوم مذکور برقرار است. لرها بیشترین همگرایی، ترکها کمتر و قوم فارس کمترین میزان همگرایی را دارا هستند.

جدول (5)- رابطه بین وضعیت فرهنگی و ارتباطی و همگرایی قومی

متغیر	R	R square	adj.R square	انحراف معیار	B	beta	t	F	سطح معناداری
توسعه فرهنگ و ارتباطات	/2830	0/080	0/073	8/220	/6540	0/283	/4193	/68911	0/001

با توجه سطح معناداری شاخص فرهنگی و ارتباطات و همگرایی قومی، یعنی (0/001) فرضیه مذکور با اطمینان 0/95 تأیید می‌شود. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که همبستگی وضعیت فرهنگی و ارتباطی و همگرایی قومی (R) 0/283 است که نشان‌دهنده رابطه نسبتاً ضعیفی و مثبتی بین دو متغیر است. با توجه به adj.R square، وضعیت فرهنگی و ارتباطی 0/073 از واریانس همگرایی قومی را در جامعه تبیین می‌کند.

جدول (6)- رابطه بین پذیرش اصول شهروندی و همگرایی

متغیر	R	R square	adj.R square	انحراف معیار	B	beta	t	F	سطح معناداری
پذیرش اصول شهروندی	/5350	0/286	0/284	7/558	/9160	0/535	/38012	/264153	0/000

رابطه میزان پذیرش اصول شهروندی و همگرایی قومی در سطح (0/000) معنادار است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که همبستگی پذیرش اصول شهروندی و همگرایی قومی (R) 0/535 است که نشان‌دهنده رابطه تقریباً قوی و مثبت بین دو متغیر است. پذیرش اصول شهروندی 0/284 از واریانس همگرایی قومی را در جامعه تبیین می‌کند.

جدول (7)- رابطه بین میزان محرومیت نسبی و احساس آن و همگرایی قومی

متغیر	R	R square	adj.R square	انحراف معیار	B	beta	t	F	سطح معناداری
میزان محرومیت	/2210	0/049	0/043	8/744	0/425	0/221	2/863	1968	0/005

با توجه سطح معناداری، میزان محرومیت نسبی و احساس آن و همگرایی، یعنی (0/005) فرضیه مذکور با اطمینان 0/95 تأیید می‌شود. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که همبستگی میزان محرومیت نسبی و احساس آن و همگرایی قومی (R) 0/221 است که نشان‌دهنده رابطه تقریباً ضعیف و منفی بین دو متغیر است. متغیر میزان محرومیت نسبی و احساس آن 0/043 از واریانس همگرایی قومی را در جامعه تبیین می‌کند.

جدول (8)- ضریب همبستگی جزئی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (همگرایی قومی) با کنترل متغیر سوم (قومیت)

ضریب همبستگی جزئی متغیرهای مستقل با کنترل متغیر قومیت						ضریب همبستگی متغیرهای مستقل با همگرایی قومی		
ترک		لر		فارس				
sig	R	sig	R	sig	R	sig	R	متغیرها
0/097	-0/305	0/000	-0/211	0/050	-0/150	0/000	-0/221	سن
0/454	-0/082	0/038	0/443	0/048	0/246	0/096	0/127	درآمد
0/012	0/358	0/151	0/343	0/490	0/084	0/009	0/224	میزان دسترسی به رسانه
0/018	0/192	0/199	0/164	0/000	0/284	0/000	0/227	میزان مشارکت اجتماعی
0/000	0/475	0/064	0/361	0/091	0/222	0/000	0/378	میزان رضایت از زندگی
0/000	0/723	0/000	0/537	0/000	0/569	0/000	0/632	میزان سرمایه اجتماعی
0/038	0/301	0/048	0/458	0/507	0/081	0/001	0/283	وضعیت فرهنگی و ارتباطی

0/000	0/641	0/009	0/328	0/000	0/490	0/000	0/535	میزان پذیرش اصول شهروندی
0/145	-0/169	0/107	-0/317	0/246	-0/153	0/005	-0/221	میزان احساس محرومیت نسبی

نتایج حاصل از آزمون دو متغیره

جدول (9) - مقایسه آزمون دو متغیره بین متغیرهای مستقل تحقیق با میزان همگرایی قومی

رتبه	نام متغیر	مقدار F	جهت رابطه	سطح معنی داری
1	میزان سرمایه اجتماعی	254/012	+	0/000
2	پذیرش اصول شهروندی	153/264	+	0/000
3	میزان رضایت مندی از زندگی	26/712	+	0/000
4	میزان مشارکت در امور سیاسی اجتماعی	20/771	+	0/000
5	سن	19/663	-	0/000
6	وضعیت فرهنگی و ارتباطی	11/689	+	0/001
7	میزان محرومیت نسبی و احساس آن	8/196	-	0/005
8	میزان دسترسی به رسانه‌های ارتباطی	7/106	+	0/009
9	درآمد	2/802	+	0/096

جدول فوق مقایسه بین متغیرهای مستقل تحقیق، به ترتیب تأثیرگذاری آنها بر متغیر وابسته است.

آزمون مدل نظری تحقیق

جدول (10) - مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثر مستقیم (beta)	اثرات غیرمستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم
سن	-0/055	0/208	0/153
میزان دسترسی به رسانه‌ها	-0/076	0/257	0/181
میزان مشارکت اجتماعی	-0/128	0/146	0/018
میزان رضایت مندی	-0/066	0/430	0/364
میزان سرمایه اجتماعی	1/204	-0/408	0/796
توسعه فرهنگ و ارتباطات	-0/440	-----	-0/440
پذیرش اصول شهروندی	-0/135	-----	-0/135
محرومیت نسبی و احساس آن	-0/128	-----	-0/128
جمع کل			0/809

در کل و به منظور انعکاس سهم کلی متغیرهای مستقل، مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم محاسبه گردید که 0/809 از واریانس متغیر وابسته این بررسی یعنی همگرایی قومی، توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می‌گردند. لذا سایر عوامل ناشناخته (e) یا کمیت خطا که از طریق کسر عدد 1 از R^2 بدست می‌آید. R^2 بدست آمده 0/688 است و با کسر آن از 1، نتیجه می‌شود که 0/319 از تغییرات متغیر همگرایی توسط مدل تحقیق تبیین نمی‌گردد.

تحلیل نتایج طیف بوگاردوس (فاصله اجتماعی):

یکی دیگر از اهداف تحقیق، سنجش میزان فاصله اجتماعی اقوام فارس، ترک و لر در استان همدان است. برای این منظور از طیف سنجش فاصله اجتماعی بوگاردوس استفاده شده است که در زیر، نتایج این بررسی در قالب جداول و تفسیر آن ارائه می‌گردد.

جدول (11)- نمرات گرایش بین قومی اقوام فارس، ترک و لر

اقوام	فارس			ترک			لر		
	فارس	ترک	لر	فارس	ترک	لر	فارس	ترک	لر
نمره گرایش	378	270/4	119	322	430/3	146/5	218	145/3	427/8

همان‌گونه که از مندرجات جدول فوق بر می‌آید، فارس‌ها بیشترین گرایش را با قوم خود و بعد با قوم ترک و کمترین گرایش را با لرها دارا هستند. ترک‌ها بیشترین گرایش را با قوم خود و بعد با قوم فارس و کمترین گرایش را با لرها دارا هستند. لرها بیشترین گرایش را با قوم خود و بعد با قوم فارس و کمترین گرایش را با ترک‌ها دارا هستند. هم چنین می‌توان چنین نتیجه گرفت که گرایشات درون قومی در ترک‌ها بیشترین درصد را نشان می‌دهد (430/3)، بعد در بین لرها (427/8) و کمترین این میزان در بین فارس‌ها مشاهده می‌گردد (378).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این بررسی تأثیر شانزده متغیر مستقل مؤثر بر میزان همگرایی قومی مورد آزمون قرار گرفت، که سیزده متغیر با همگرایی قومی ارتباط معناداری را منعکس کردند. اما سه متغیر

جنسیت، وضعیت اشتغال و خاستگاه اجتماعی ارتباط معناداری با میزان همگرایی قومی از خود نشان نداده است. بنابراین سه فرضیه اصلی مربوط به متغیرهای وضعیت فرهنگی و ارتباطی، پذیرش اصول شهروندی و محرومیت نسبی و احساس آن مورد تأیید قرار گرفتند، مهم‌ترین متغیر اثرگذار این تحقیق میزان سرمایه اجتماعی و پذیرش اصول شهروندی است.

پیشنهادات

با توجه به نتایج بدست آمده در حوزه‌های مختلف، می‌توان برخی پیشنهادات به شرح زیر مطرح کرد.

در حوزه فرهنگی برای افزایش میزان شناخت اقوام از همدیگر، کاهش سطح قوم‌مداری و تقویت تفاهم فرهنگی با قول تکثر فرهنگی و قومی ذیل هویت کلان و وفاق عام و ملی:

- 1- با توجه به اینکه تحصیلات در تحقیق، رابطه مثبتی در میزان همگرایی قومی داشته است لذا ارتقای سطح سواد و رشد آموزش و پرورش به ویژه در مناطق روستایی و محروم امری ضروری است و آشنا نمودن اصولی مردم با اقوام ایرانی از طریق متون درسی به منظور همزیستی مسالمت‌آمیز آحاد مردم در محیط کار و زندگی با یکدیگر.
 - 2- رسانه‌های جمعی از مهم‌ترین ابزارها در دست دولت برای ایجاد همبستگی و وفاق عام و تقویت هویت جمعی عام به شمار می‌آیند. لذا اعتماد مردم به رسانه‌های جمعی، لازم و ضروری است. این امر مستلزم توجه به دور از تحقیر یا سوء نمایش از طریق پخش برنامه‌ها و سریال‌ها، احترام گذاشتن به باورها، لهجه و گویش‌های اقوام مختلف، تقویت صدا و سیما و شبکه‌های استانی و تأکید بر کیفیت موضوعات با توجه به اینکه سطح استفاده مردم از رسانه‌های ارتباطی پایین است.
- در حوزه اجتماعی، جهت تقویت تعاملات و مراودات اقوام و تقویت اعتماد و پذیرش اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی، موارد زیر قابل توجه است:
- 1- تقویت برنامه‌های تبادل فرهنگی بین قومی از طریق نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های علمی، ادبی، هنری و نمایشی.
 - 2- تقویت احساسات عام گرایانه که از فاکتورهای مهم در سیاست شهروندی است.

- 3- تقویت ارتباطات برای یکپارچه سازی عواطف و احساسات موجود و تقویت علائق و منافع مشترک و زدایش تصورات قالبی.
در حوزه سیاسی، برای افزایش میزان یگانگی اقوام با هویت عام ایرانی موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:
- 1- تقویت نهادهای سیاسی محلی و سازمان‌های مردمی که در سطوح پایین اجتماع، مدیریت مسائل قومی را بر عهده دارند (افزایش نهادهای مدنی).
- 2- امکان مشارکت ساختاری اقوام و اقلیت‌ها (یعنی حضور در نهادهای آموزشی، اقتصادی، سیاسی و رسمی) بطور قابل قبولی باید توسعه یابد. این امر مانع ایجاد نهادها و سازمان‌های موازی می‌گردد. نظام آموزشی و اداری ضمن حفظ وحدت ساختاری و اداری خود باید از مرکز گرایی پرهیز نمایند.
- 3- افزایش و تقویت مشارکت بیشتر اقوام در عرصه‌های سیاسی استان از طریق بکارگیری نیروهای تحصیل کرده و لایق و علاقه‌مند بومی به پست‌های مدیریتی در سطح استان.
- 4- حذف نگاه امنیتی نسبت به اقوام.
- 5- توزیع عادلانه‌تر اعتبارات عمرانی و توجه مساوات‌طلبانه به عمران و توسعه شهرهای مختلف، زمینه بدبینی و نزدیکی برخی و طرد بعضی دیگر را کمتر می‌کند.

به طور خلاصه می‌توان گفت الگوی شهروندی و سیاست چندفرهنگی، ضمن پاسخگویی به مطالبات قانونی اقوام و فرهنگ‌ها، سیاستی معقول و راهبردی در زمینه انسجام و همگرایی بین قومی و از میان بردن چالش‌ها و بحران‌های احتمالی پیش روی آن فراهم می‌کند. لذا شهروندی و سیاست چندفرهنگی به دلیل سازگاری با شرایط تاریخی و بومی جامعه چند قومی ایران و با توجه به سابقه کاربست آن به صورت موفقیت‌آمیز در برخی از جوامع، الگویی مناسب در این زمینه است. این الگو عرصه‌ای از گفتگو و تعامل و احترام متقابل را فراهم می‌کند که زمینه‌ساز همگرایی و انسجام در جهت دستیابی به تعریفی از هویت و شهروندی ملی است.

منابع:

- احمدی، حمید (1378)، قومیت و قوم گرایی در ایران؛ از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
- احمد لو، حبیب (1381)، بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان شهر تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- اسمیت، آنتونی (1377)، منابع قومی ناسیونالیسم، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران.
- اوز کریمی، اوموت (1383)، نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمد علی قاسمی، تهران: تمدن ایرانی.
- بالمر، مارتین و جان، سولوموز (1381)، مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم، ترجمه پرویز دلیر پور و سید محمد کمال سردریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برتون، رولان (1380)، قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- حاجیانی، ابراهیم (1380)، «مسأله وحدت قومی و الگوی سیاست قومی در ایران» نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره 3، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، صص 177-139.
- گیدنز، آنتونی (1388)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر شاهنگ.
- مقصودی، مجتبی (1382)، تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، 1380.
- نواح، عبدالرضا و تقوی نسب، مجتبی (1388)، آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران؛ بررسی موردی؛ آسیب‌های قومی در خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم.
- اشرف، احمد، (1383) «بحران هویت قومی و ملی در ایران»، ایران، هویت، ملیت، قومیت، به کوشش حمید احمدیف تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- رفیع پور، فرامرز، (1378) کندوکاوها و پنداشته‌ها، مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار،
- رنجبر، مقصود، (1384) «معرفی و نقد کتاب: نظریه‌های ناسیونالیسم اثر اوموت اوز کریمی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره 4،

- عالمی نیسی، مسعود، (1383) مطالعه میزان برجستگی هویت‌های فرهنگی و جمعی و پیش‌بینی آینده آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
- مقصودی، مجتبی، (1379) «فرهنگ، ارتباطات و تحولات قومی (بررسی نظری)»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره 6، زمستان
- نواح، عبدالرضا و تقوی نسب، مجتبی، قوم عرب، (1385) واگرایی یا همگرایی، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال اول، شماره دوم، زمستان
- ورچاوند، پرویز، (1380) «تنوع قومی در ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها (بخش اول)»، میزگرد، فصلنامه مطالعات ملی، شماره 8، تابستان
- ابوطالبی، علی، (1379) «دیدگاه‌هایی چند درباره یکپارچگی و وحدت ملی»، ترجمه مجتبی مقصودی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره 2 و 3، زمستان
- توسلی، غلامعباس و قاسمی، یارمحمد، (1381) مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی (نمونه مطالعه: ایلام)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره 4،
- حق پناه، جعفر، (1388) جامعه مدنی و قومیت‌ها در ح.ا.ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی .
- اداره کل سیاسی - انتظامی، گروه سیاسی (1383)، شناسنامه قومیتی استان همدان،
- محمدی، مهدی، (1383) بررسی ویژگی حوزه‌های فرهنگی (کرد- لر - لک - ترک - فارس) استان همدان، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان،
- عبداللهی، محمد و قادرزاده، امید (1388) فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی.
- مرکز آمار ایران، (1385) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران: سازمان برنامه و بودجه،
- میسون تی. دیوید، (1377) قومیت و سیاست، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار
- مارجر مارتین، (1377) سیاست قومی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار
- اسمیت آنتونی، (1377) منابع قومی ناسیونالیسم، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار
- اومن تی. کا، (1377) شهروندی، ملیت و قومیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار
- رضایی علیرضا، (1385) پژوهش تبیین وضعیت قومیت در جامعه ایران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- گودرزی حسین (1384)، مفاهیم بنیادی در مطالعات قومی، تهران.
- احمدی حمید، (1388). بنیادهای هویت ملی ایرانی، چهارچوب نظری هویت ملی شهروند محور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی،

ملکمیان لینا، شیرانی پرویز، (1364).. کاربرد روش های نمونه گیری در علوم اجتماعی، تهران: نشر کلمه ،
نواح عبدالرضا و سید مجتبی تقوی نسب، (1386). تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت
ملی، مطالعه موردی: اعراب استان خوزستان، مجله جامعه شناسی ایران ، دوره هشتم ، شماره 2،
ثقفی مراد ، (1385). نقد کتاب: قومیت در علوم اجتماعی معاصر، نوشته مارکو مارتینیلو، گفتگو،
نوربخش یونس، (1387). فرهنگ و قومیت مدلی برای ارتباطات فرهنگی در ایران، فصلنامه تحقیقات
فرهنگی ، سال اول شماره 4 ،
بلالی اسماعیل ، (1386). عوامل ساختاری مؤثر بر تحریم اجتماعی اقوام در ایران: مطالعه موردی کردها و
ترک ها، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس ،

Douglass a. William and Milton da Silva, (1971), " Basque nationalism", in
the limits of integration : ethnicity and nationalism in modern Europe, No 9
, Massachusetts department of anthropology university of Massachusetts,

Eriksen , Thomas hylland (2001), " Ethnic identity, national identity and
intergroup conflict: the significance of personal experiences. 'Social identity
intergroup conflict, and conflict reduction, oxford university press.

Mukharyamov, nayil M. (2003), Ethnicity and the study of international
relations in the post – soviet Russia,
[online]www.elsevier.com/locate/postcomstyd.

pluss,carolin (2005), "constructed globalized ethnicity, Migrants from India
in Hong Kong.' International sociology, June, Vol 20 (2).Pp.201 – 224.

Riggs Fred W (1997), "The modernity of ethnic identity and conflict." [on
line].

<http://www2.hawaii.edu/~fredr/>.

Share pour, Mahmoud (1997), Assimilation and Maintenance of ethnic
identity: A study of Iranian children in ethnic schools in Australia, PhD
Theses. Australia: Australian national university.

Sunyer, oriole pi (1971), "the Maintenance of ethnic identity in Catalonia."
In the limits of integration: ethnicity and nationalism in modern Europe,
edited by oriole pi sunyer, research report, number 9, massachusetts:
department of anthropology university of Massachusetts,